

وجوه اشتراک و افتراق اندیشه سیاسی جنبش حماس با اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی ایران

دکتر یحیی فوزی

عضو هیئت علمی همکار پژوهشکده امام خمینی^(س) و انقلاب اسلامی
yahyafози@yahoo.com

عباس علی بخشی

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی^(س) و انقلاب اسلامی
alibakhshi21@yahoo.com

چکیده

بررسی وجوه اشتراک و افتراق اندیشه سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین، حماس، با اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی ایران و رصد روند تحول فکری این جریان اسلام‌گرا از اهمیت خاصی در بحث سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی در مواجهه با جنبش‌های اسلام‌گرا برخوردار است. این مقاله تلاش دارد تا با روش تاریخی - مقایسه‌ای به این پرسش پاسخ دهد که همکاری‌های حماس و ایران در دهه‌های گذشته از چه عمق فکری برخوردار بوده است؟ آیا این همکاری‌ها تاکتیکی و ناشی از برخی نیازهای مقطعی و سیاسی بوده است و یا اینکه مواضع و مبانی فکری طرفین این وحدت و همسوئی را ایجاد می‌کرده است؟ پاسخ به این سؤالات می‌تواند راهگشای آینده در روابط و نوع استراتژی مواجهه با این جنبش اسلام‌گرا باشد. در این مقاله بر اساس مقایسه‌ای ده شاخص به بررسی و تحلیل نقاط اشتراک و افتراق اندیشه سیاسی دو جنبش پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش حاکی است که هر دو جنبش از نظر مبانی فکری اشتراکات زیادی داشته و تنها بحران سوریه را می‌توان عامل مهمی در ناهمسوئی مواضع آنها ذکر کرد. بر این اساس، به نظر می‌رسد علی‌رغم این اختلاف سیاسی، حماس را می‌توان متحدی فکری در بین جریان‌های اسلام‌گرا برای جمهوری اسلامی به حساب آورد که در دراز مدت به همراه بخش مهمی از جنبش اخوان می‌توانند در جبهه متحد جنبش اسلام

سیاسی نوگرا و اصلاح طلب همسو با جمهوری اسلامی ایران در حل مسائل جهان اسلام قرار داشته و ایفای نقش کنند و لذا باید برای حل مشکلات سیاسی موجود که موجب تشدید فاصله بین این جریانات اسلام‌گرا شده است تلاش نمود و راهکارهای مناسب را جستجو کرد.

کلید واژه‌ها: اندیشه سیاسی، حماس، انقلاب اسلامی ایران، فلسطین.

مقدمه

حماس نام اختصاری «حركة المقاومة الاسلامیه» است که شش روز پس از آغاز انتفاضه^۱ اول فلسطین در ۹ دسامبر ۱۹۸۷ به‌عنوان شاخه‌ای از جنبش اخوان المسلمین، توسط شیخ احمد یاسین شکل گرفت. دلیل تأسیس این جنبش (مانند تأسیس جنبش جهاد اسلامی)، شکست الگوهای چپ غیرمذهبی در بسیج اجتماعی و مبارزه چریکی علیه رژیم صهیونیستی به‌ویژه در مناطق اشغالی سال ۱۹۶۷ و همچنین افول وجهه ناسیونالیستی فتح و تشدید سیاست‌های سرکوب‌گرانه اسرائیل در اراضی اشغالی بود. جنبش حماس پس از پیدایش، خود را یکی از جناح‌های اخوان المسلمین در فلسطین معرفی کرده است. این جنبش مبارزات اخوان المسلمین در فلسطین را عمق تاریخی خود می‌داند. در واقع حماس مولود بخشی از نیروهای اخوان المسلمین است که با پیدایش انتفاضه در استراتژی مبارزاتی خود تحول عمیقی را ایجاد کرده و نام جدیدی را برای تفکر جدید خود انتخاب نمودند. این چرخش در استراتژی تدریجی و تأخیری اخوان المسلمین و ورود به «عمل مستقیم» و «مبارزه مسلحانه» بود. در واقع در کرانه غربی، خصوصاً طبقه جوان‌تر اخوان بسیار مشتاق شرکت در قیام بر علیه اشغال‌گران بودند. تنها در زمانی که انتفاضه کاملاً جریان یافت و حماس به صورتی فعال در انتفاضه شرکت جسته بود، اختلاف میان عمل‌گرایان جوان و رهبران سنتی به پایان رسید و جنبش حماس اعلام موجودیت کرد.

۱. انتفاضه در لغت، به معنای جنبش، لرزش، غبارروبی، انقلاب، قیام، مرحله قبل از انقلاب، قیام علیه رخوت و رکورد و حرکت توأم با نیرو و شتاب است و در اصطلاح، انتفاضه نامی است که برای خیزش خودجوش، مردمی، مستقل، مستمر، همگانی و اسلامی مردم فلسطین علیه اشغال‌گران صهیونیست به کار می‌رود. این واقعه (انتفاضه) در ۸ دسامبر ۱۹۸۷ در پی تصادف موتوری در نوار غزه روی داد که طی آن یک کامیون اسرائیلی با چند وسیله نقلیه کوچک که کارگران فلسطینی را حمل می‌کرد، برخورد نموده و تعدادی از کارگران کشته شدند، آشوب جرقه زد و همه جا را فراگرفت و آنچه که امروز انتفاضه خوانده می‌شود از آن سر بر آورد (ابوعمر، ۱۳۷۳: ۳۶).

روند شکل‌گیری و اقدامات حماس

حماس در سیر فعالیت‌ها و دستیابی به اهداف خود چند مرحله را پشت سر گذاشته است. در مرحله‌ی اول که از ابتدای تشکیل حماس در سال ۱۹۸۷ تا سال ۱۹۹۳ یعنی سال استقرار سلطه تشکیلات خودگردان فلسطین در کرانه باختری و نوار غزه می‌باشد حماس به تدریج تجربه‌ی کافی، امکانات و تجهیزات لازم را به‌دست آورد و با همکاری مشترک با رزمندگان سایر گروه‌ها به‌ویژه گروه فتح ۸۳ عملیات مهم توسط حماس به اجرا درآمد. مرحله‌ی دوم که از استقرار تشکیلات خودگردان تا مذاکرات کمپ دیوید دوم در سپتامبر ۲۰۰۰ می‌باشد اختلاف این گروه با تشکیلات خودگردان افزایش یافت در این مقطع اجرای طرح‌های ترور فرماندهان نظامی و سیاسی حماس توسط اسرائیل و نیز ورود نوع جدیدی از عملیات به‌نام «عملیات استشهادی» به صحنه‌ی نبرد، و دستگیری برخی رهبران حماس از سوی رهبران دولت خودگردان وضعیت جدیدی را برای حماس به‌وجود آورد. از ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۰ یعنی زمان بازدید آریل شارون، نخست‌وزیر و رئیس وقت حزب لیکود، از مسجدالاقصی که «انتفاضه الاقصی» شروع شد، اسرائیل دست به ترور تعداد زیادی از رهبران طراز اول حماس مثل شیخ احمد یاسین، دکتر عبدالعزیز رنتیسی، شیخ صلاح شحاده، جمال سلیم، جمال منصور، اسماعیل ابوشنب و دکتر ابراهیم مقادمه و... زد (مهریان، ۱۳۸۶: ۱۲۱-۱۲۰). اما علی‌رغم این فشارها از ژانویه ۲۰۰۶ با ورود حماس به انتخابات و کسب آرا ۶۰ درصد فلسطینیان مرحله‌ی جدیدی برای این گروه آغاز شد و یک سال بعد و در سال ۲۰۰۷ حماس با فتح بر سر تقسیم قدرت دچار اختلافات و درگیری شد و پس از آن توانست کنترل نوار غزه را در دست بگیرد و دولتی مستقل از جنبش فتح در کرانه باختری تشکیل دهد. از این به بعد حماس به سامان‌دهی مجدد نیروهای خود پرداخت و با تشکیل مؤسسات خدماتی و رفاهی و گسترش سطح اقدامات خود توانست موفقیت‌هایی در جلب نظر مردم نسبت به خود به دست آورد. در نهایت نیز در سال ۲۰۱۱ فتح و حماس آشتی کرده و همکاری‌های خود را افزایش دادند هرچند اختلافات فکری و مبنایی آنها این روابط را با فراز و نشیب‌های زیادی همراه کرده است.

فعالیت نظامی و رفاهی از جمله اقدامات مهم و دلایل محبوبیت این جنبش است. فعالیت نظامی یکی از ابزارهای راهبردی جنبش حماس در رویارویی و مقابله با رژیم صهیونیستی

محسوب می‌شود. در همین راستاست که شاخه‌ی نظامی جنبش حماس به نام گردان‌های «شهید عزالدین قسام» از اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ یعنی از زمان به اسارت گرفتن دو سرباز اسرائیلی در مارس و مه ۱۹۸۹ شکل گرفته است. به‌رغم اندک بودن مجموعه سلاح‌هایی که مبارزان قسام در جهت مقابله با دشمن صهیونیستی در اختیار دارند، ولی به‌واسطه‌ی تلاش‌های شبانه‌روزی آنان، تجهیزات نظامی این گردان‌ها روزبه‌روز در حال پیشرفت است (باباپور، ۱۳۸۸: ۶۹-۷۶). همین شاخه‌ی نظامی حماس بود که توانست در برابر حملات اسرائیل به نوار غزه در جنگ ۲۲ روزه از تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۱۷ ژانویه ۲۰۰۹ و جنگی که از ۸ ژوئیه تا ۲۶ اوت ۲۰۱۴ به طول انجامید و به جنگ ۵۱ روزه معروف شد، که طولانی‌ترین نبرد حماس با اسرائیل محسوب می‌شود، با حمایت و کمک‌های ایران، ترکیه، قطر و اخوان المسلمین به‌خوبی به مقابله با دشمن صهیونیستی بپردازد.

ازسوی دیگر، از جمله دلایل معروفیت و حُسن شهرت حماس در فلسطین اقدامات رفاهی و خدمات اجتماعی است که ارائه می‌دهد. بخشی از بودجه سالانه حماس که تقریباً ۷۰ میلیون دلار است صرف اقداماتی نظیر بسط شبکه خدمات اجتماعی، اجرای برنامه‌های آموزشی و رفاهی، تأمین مدارس، یتیم‌خانه‌ها، مساجد، کلینیک‌های بهداشتی، مکان‌های اطعام فقرا و مکان‌های ورزشی و کمک‌های مالی و بورسیه به دانشجویان می‌گردد. درواقع، با فراهم آوردن این اقدامات و فعالیت‌هاست که حماس موفق شده تا در میان مردم محبوبیت کسب کند و وفاداری سیاسی مردم را به‌دست آورد (باباپور، ۱۳۸۸: ۶۸). و با این کمک‌ها موفق به جذب نیرو شده است به طوری که طرفداران حماس در سراسر نوار غزه و کرانه باختری در اکثر دانشگاه‌ها، مراکز نظامی، رفاهی، آموزشی، مذهبی، بیمارستان‌ها، انجمن‌های صنعتی و صنفی، کتابخانه‌ها و حتی مهدکودک‌ها دیده می‌شوند (میلتون، ۱۳۹۲: ۱۶۳).

ساختار و تشکیلات حماس

به طور کلی سازمان تشکیلات و رهبری حماس به دو بخش اصلی داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. ساختار سازمانی حماس در داخل فلسطین (کرانه باختری و نوار غزه) به‌دلیل شرایط و موقعیت حاکم بر این مناطق از بسیاری جهات با تشکیلات و ساختار خارج از فلسطین متفاوت است. با اینکه رهبری جنبش در خارج است و تصمیم‌های اساسی آن در خارج گرفته می‌شود،

تشکیلات موجود در داخل نیز از اختیارات زیادی برخوردار است و تأثیر مستقیمی بر روند سازمانی جنبش دارد. در واقع تشکیلات سازمانی حماس در سرزمین فلسطین را می‌توان به دو دسته تشکیلات رسمی در ساختار دولتی و غیررسمی در ساختار جامعه فلسطینی تقسیم کرد که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

تشکیلات رسمی حماس در داخل سرزمین فلسطین

تشکیلات رسمی حماس در ساختار دولتی فلسطین پس از شرکت این جنبش در انتخابات و در راستای کسب مشروعیت سیاسی این جنبش در عرصه‌ی داخلی و بین‌المللی می‌باشد و عبارتند از:

دولت حماس: جنبش حماس سال ۲۰۰۶ در انتخابات پارلمانی فلسطین با به‌دست آوردن اکثریت کرسی‌های مجلس قانون‌گذاری توانست دولت قانونی فلسطین را تشکیل دهد؛ اما به علت اختلافات حماس با فتح، این دولت به عنوان یک دولت مستقل فقط در منطقه‌ی نوار غزه قدرت را در اختیار دارد. دولت حماس به نخست‌وزیری اسماعیل هنیه دارای ۲۱ وزارتخانه است. در جلسات کابینه این دولت به غیر از ۲۱ وزارتخانه، پنج سازمان نیز شرکت دارند که زیر نظر مستقیم نخست‌وزیر کار می‌کنند (پایگاه اینترنتی دولت فلسطین).

فراکسیون تغییر و اصلاح: جنبش حماس دارای یک فراکسیون در مجلس قانون‌گذاری فلسطین است که به فراکسیون تغییر و اصلاح معروف است. این فراکسیون در سال ۲۰۰۶ با کسب ۷۴ کرسی، مأمور تشکیل دولت شد. دکتر محمود الرمحي، دبیر این فراکسیون و مشیرالمصری مسئول روابط خارجی آن هستند. رئیس و نایب اول پارلمان فلسطین نیز از این فراکسیون هستند (پایگاه اینترنتی فراکسیون تغییر و اصلاح مجلس قانون‌گذاری فلسطین).

تشکیلات غیررسمی حماس در داخل سرزمین فلسطین

علاوه بر ساختار رسمی و دولتی جنبش حماس، این جریان در داخل سرزمین‌های اشغالی دارای ساختار غیررسمی و پیچیده‌ای است که عمدتاً در راستای اهداف و فعالیت‌های این جنبش و بیشتر در امور اجتماعی و مذهبی فعالیت دارند و عبارتند از:

رهبران سیاسی محلی: هدایت فعالیت‌های میدانی مردم و بیان دیدگاه‌های سیاسی جنبش

بر عهده این رهبران قرار دارد. از نظر شخصیت فردی اکثر این رهبران جایگاهی برابر یا حتی بالاتر از رهبران حماس مستقر در خارج دارند اما بنا به شرایط و تمایل آنها برای باقی ماندن در داخل، عهده‌دار مسئولیت رسمی و آشکار رده بالایی در حماس نیستند. حماس سخنگویانی در داخل دارد که مواضع این جنبش را به‌طور رسمی بیان می‌کنند. این جنبش با یک تقسیم‌بندی جغرافیایی برای هر شهر و منطقه مشخص یک مسئول سیاسی تعیین کرده است. این رهبران هماهنگ‌کننده‌ی فعالیت بخش‌های مختلف و همچنین ارتباط با سایر گروه‌ها و تشکیلات خودگردان هستند. البته رهبران محلی در نوار غزه از سابقه و اهمیت بیشتری نسبت به رهبران کرانه باختری برخوردار هستند (رضوی و قاسمی، ۱۳۹۱: ۹۵).

تشکیلات اجتماعی: بر حسب میزان اطاعت‌پذیری و پیروی از دستورهای مختلف جنبش حماس بین افراد و قشرها، سطوح مختلفی وجود دارد. دسته‌ی اول افرادی هستند که به‌طور کامل از جنبش اطاعت‌پذیری دارند. دسته‌ی دوم افرادی که به حماس گرایش دارند، اما بر حسب موقعیت از خواسته‌های جنبش پیروی می‌کنند. این دسته از مردم از نظر فکری با اعتقادات و افکار حماس موافق، اما در شرایطی مانند فشارهای اسرائیل یا تشکیلات خودگردان با حماس همراهی نمی‌کنند. دسته‌ی سوم نیز افراد وابسته به سایر گروه‌ها و جریان‌های فلسطینی به‌ویژه تشکیلات خودگردان و گروه فتح هستند. از نظر منطقه‌بندی نیز نسبت طرفداران حماس در نوار غزه بیشتر از کرانه باختری می‌باشد. بنیان‌های اصلی تشکیلات اجتماعی حماس نیز شامل مساجد، مدارس و مراکز خیریه است (رضوی و قاسمی، ۱۳۹۱: ۹۸).

تشکیلات نظامی و امنیتی: این بخش مهم‌ترین و مؤثرترین و در عین حال مخفی‌ترین بخش حماس در داخل فلسطین اشغالی است و اقدامات و فعالیت‌های آن تأثیر زیادی بر معادلات فلسطینی و تحولات آن داشته است. گردان‌های قسام به‌عنوان شاخه‌ی نظامی جنبش حماس، شبه ارتش این جنبش در نوار غزه محسوب می‌شود. این گردان‌ها به دو بخش نوار غزه و کرانه باختری تقسیم می‌شوند که البته اعضای کرانه باختری آن به دلایل امنیتی مشخص نیستند. مگر اینکه پس از انجام عملیاتی در کرانه باختری، اجرا کنندگان عملیات، شهید یا بازداشت شوند که در آن موقع مشخصات آنان آشکار می‌شود. نوار غزه طبق اخبار خود این گردان‌ها، دارای پنج گردان مخصوص است که عبارتند از: شمال غزه، جنوب غزه (رفح)، مرکز نوار غزه، غزه و خان یونس. رابطه این گردان‌ها از طریق فرماندهی آن با دفتر سیاسی

بسیار خوب است. تعداد رزمندگان این گردان‌ها دقیقاً مشخص نیست و طبق اخبار برخی خبرگزاری‌ها بین ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر است (زارعی، ۱۳۹۰: ۱۲).

ساختار و تشکیلات حماس در خارج از فلسطین

تشکیلات خارج از فلسطین حماس را این‌گونه می‌توان بیان کرد:

شورای مرکزی: بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در حماس شورایی ۵۰ تا ۷۰ نفره است که هویت اعضای آن نامشخص است و معمولاً با توجه به شرایط هر چهار سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد و مسئولان بخش‌های مختلف (آشکار و پنهان) را انتخاب می‌کند (رضوی و قاسمی، ۱۳۹۱: ۸۷).

دفتر سیاسی: دفتر سیاسی در واقع رهبری حماس در خارج از اراضی فلسطینی است. تا پیش از ناآرامی‌های سوریه، مقر این دفتر در دمشق بود. تعداد اعضای این دفتر ۹ نفر است که سه نفر از نوار غزه و ۶ نفر از خارج اراضی فلسطینی هستند. رئیس کنونی این دفتر خالد مشعل و نایب رئیس آن موسی ابومرزوق است و انتخابات آن هر چهار سال یک بار برگزار می‌شود. تمامی تصمیمات اصلی این جنبش به‌ویژه در عرصه‌ی سیاسی، نظامی و امنیتی در این دفتر گرفته می‌شود. با این اوصاف می‌توان دفتر سیاسی را رأس هرم تشکیلاتی حماس قلمداد کرد (حاجیان، ۱۳۸۱: ۱۵).

دفتر نمایندگی در کشورهای مختلف: جنبش حماس در حال حاضر در تهران، بیروت، دمشق، خارطوم و صنعا به طور رسمی دفتر دارد و در کشورهای کویت، قطر، امارات، عربستان سعودی و پاکستان نیز نمایندگانی به شکل غیررسمی فعالیت می‌کنند. این جنبش همچنین توانسته است از طریق فعالیت در اتحادیه‌ها و انجمن‌های دانشجویی در کشورهایی که دانشجویان فلسطینی حضوری گسترده دارند، پایگاه‌هایی به دست آورد. این دفاتر زیر نظر دفتر سیاسی که قبلاً در سوریه و با توجه به تحولات سوریه به دوحه قطر منتقل شد، فعالیت می‌کنند.

فعالیت تبلیغاتی و رسانه‌ای

فعالیت اصلی بخش تبلیغات حماس در بیروت و لندن مستقر است و لندن به‌عنوان مهم‌ترین مرکز تبلیغاتی حماس محسوب می‌شود. از زاویه‌ای دیگر تبلیغات در حماس دو محور دارد:

تبلیغات داخلی و تبلیغات خارجی. منظور از تبلیغات داخلی اطلاع‌رسانی به اعضا و کادرهای رسمی حماس است که خود به تبلیغات ارشادی اعضا، اخبار تشکیلاتی و اخبار عملیاتی و امنیتی تبدیل می‌شود. تبلیغات خارجی نیز شامل هواداران و مردم در داخل و خارج فلسطین می‌شود که البته این امر عمدتاً از طریق رسانه‌های اینترنتی، ماهواره‌ای، خبرگزاری‌ها و... به انجام می‌رسد (رضوی و قاسمی، ۱۳۹۱: ۹۱-۹۰). *ماهنامه فلسطین المسلمه، نشریه الرساله، روزنامه فلسطین، شبکه تلویزیونی الأقصى و گفتگوی فلسطین، رادیو صدای الأقصى، خبرگزاری‌ها و سایت‌های اینترنتی قدس پرس، فلسطین الان، فلسطین، گردان‌های عزالدین قسام و مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین* از جمله رسانه‌های دیداری و شنیداری حماس می‌باشند.

منابع مالی

با آنکه اطلاعات دقیقی از فعالیت‌ها و هزینه‌های اقتصادی و مالی حماس در دسترس نیست و به‌رغم نامشخص بودن منابعی که حماس از طریق آنها قادر به تأمین مالی اقدامات خویش است؛ اما به نظر می‌رسد منابع درآمدی حماس از طریق سود شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به این جنبش در داخل فلسطین و سایر کشورها، کمک‌های مردمی و ثروتمندان فلسطینی و غیرفلسطینی به‌ویژه اعراب حاشیه خلیج فارس، کمک کشورها، جنبش‌ها، مؤسسات و جمعیت‌های هم‌فکر با حماس تأمین می‌گردد (حاجیان، ۱۳۸۱: ۱۳).

امنیتی و نظامی

اصولاً تمرکز فعالیت‌های نظامی و امنیتی حماس داخل فلسطین است و بخش‌های امنیتی و نظامی در خارج عهده‌دار پشتیبانی و حمایت از نیروهای عملیاتی در داخل هستند. حماس در خارج از فلسطین یک مسئول امنیتی و یک مسئول نظامی دارد که پست سازمانی این دو در حد معاون دفتر سیاسی است و به تنهایی اختیاراتی برای تصمیم‌گیری در حوزه‌ی کاری خود دارند. هویت آنها کاملاً مخفی است و تنها چند نفر از مسئولان رده بالای جنبش با آنها در ارتباط هستند (حاجیان، ۱۳۸۱: ۱۴).

بر این اساس، و با توجه به آنچه تاکنون بیان شد می‌توان آخرین تحولات ساختار تشکیلاتی حماس را بر اساس جدول زیر این‌گونه بیان کرد:



وجوه اشتراک و افتراق اندیشه سیاسی جنبش حماس با جمهوری اسلامی ایران

با توجه به تعاریف موجود از اندیشه سیاسی برای بررسی مقایسه‌ای اندیشه سیاسی این جنبش با انقلاب اسلامی ایران می‌توان شاخص‌های مهم اندیشه سیاسی همچون نوع نگاه به سیاست، رابطه‌ی دین و سیاست، الگوی سیاسی، نقش مردم در حکومت، نقش شریعت در حکومت و مواردی از این قبیل را مورد مقایسه قرار داد. و به این منظور در این مقاله از ده شاخص زیر که استخراج شده از تعاریف موجود از اندیشه سیاسی است استفاده شده که شامل موارد زیر است:

۱- ارتباط بین دین و سیاست

هر دو جنبش انقلاب اسلامی ایران و حماس در منشور اندیشه‌ای خویش بر ارتباط و همراهی مداوم دین و سیاست تأکید داشته و این دو را غیرقابل گسست می‌دانند. امام خمینی به‌عنوان رهبر و نظریه‌پرداز انقلاب اسلامی ایران و به‌عنوان شخصیتی که سخنان و نوشته‌هایشان جهت‌دهنده به انقلاب و نظام بوده و هست با تأکید بر پیوند و همراهی اسلام و سیاست و سابقه تاریخی آن تأکید دارد (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۲۶۵). جنبش مقاومت اسلامی فلسطین، حماس، نیز تأکید بر هماهنگی میان دین و دولت دارد و معتقد است که نمی‌توان ایده اسلامی بودن فلسطین فعلی و فلسطین آینده را تغییر داد تا تفکر جدایی دین از دولت را برگزید، چرا که اسلامی بودن فلسطین جزئی از دین ماست و هر کسی که از دین خود کوتاه بیاید زیان کرده است (الحمد و برغوثی، ۱۳۸۲: ۶۷). حماس همواره ایده‌ی جدایی دین از

دولت را رد کرده و معتقد است سکولاریسم هیچ سنخیتی با دین اسلام ندارد. در ماده‌ی اول میثاق‌نامه حماس در رابطه با پیوند دین و سیاست آمده است:

اسلام قانون و روش جنبش مقاومت اسلامی است و این جنبش اندیشه‌ها و مفاهیم فکری و اصول هستی‌شناسی زندگی انسانی خود را از آن گرفته، همه فعالیت‌های خود را بر اساس موازین آن انجام داده و جهت حرکت خود را از آن می‌گیرد. (میثاق‌نامه حماس در پایگاه اینترنتی وزارت امور خارجه فلسطین)

از دیدگاه این جنبش، اسلام، عقاید و مبانی آن نقطه اشتراک بخش وسیعی از مردم فلسطین محسوب می‌شود و اصلی ثابت برای هر تلاش علیه دشمن با مبنایی اعتقادی و همه حرکت‌ها و طرح بیدارگری است. آنها تنها به «الله» وفادار هستند و شیوه‌ی زندگی مبتنی بر اسلام را برگزیده‌اند تا بیریق «الله» را در تمام فلسطین برافرازند (محمدیان روشن، ۱۳۸۴: ۱۲). در واقع حماس تأیید می‌کند که سیاست بخشی از دین است. این وضعیت ناشی از تجربه خصوصی اعراب از حکومت‌های سکولار و لیبرال در چند دهه گذشته است (رزقه، ۲۰۱۵: ۴-۵). حماس همچنین با جریان سکولاریسم در فلسطین مخالف است و این نکته‌ای است که اختلاف آن با سازمان آزادی بخش فلسطین را در مورد ماهیت سیاسی آینده فلسطین نشان می‌دهد. در حالی که سازمان آزادی بخش خواستار برقراری حکومتی سکولار است، حماس از تأسیس دولت اسلامی حمایت کرده و معتقد به تشکیل دولتی اسلامی و پیاده ساختن تمام ابعاد اسلام در تمام جوانب زندگی است (میلتون، ۱۳۹۲: ۱۶۱).

۲- جایگاه شریعت در حکومت و الزام به اجرای آن

رهبران جنبش اسلامی ایران بر اساس موافقت مردم ایران با قانون اساسی جمهوری اسلامی، بر لزوم قانون‌گذاری بر اساس شریعت و اجرای آن تأکید داشته و فقهای شورای نگهبان برای جلوگیری از مغایرت قوانین با شریعت، در نهاد سیاسی و به‌عنوان مکمل قوه‌ی مقننه حضور دارند. جنبش حماس نیز بر ضرورت آگاهی جامعه از شریعت تأکید می‌کند و در ماده‌ی ۱۶ میثاق‌نامه خود در زمینه‌ی قانون شریعت آورده است که مسلمانان باید بر اساس تعالیم اسلام شامل انجام وظایف و فرایض دینی، تأمل عمیق و آگاهانه در کتاب خدا و بررسی سنت نبوی و آگاهی از تاریخ و میراث و تمدن اسلامی از منابع موثق و با نظارت متخصصان و دانشمندان

آموزش ببینند و تربیت شوند و از نظام‌های آموزشی در این راستا بهره گرفته شود که بینش صحیح و سالم در اندیشه و اعتقاد را به مسلمانان انتقال دهد. بر این اساس، این جنبش همچون جنبش شیعی انقلاب اسلامی ایران معتقد است که قوانین شریعت در صورتی الزام‌آور خواهد شد که شکل قانونی توسط مردم را پیدا کند. لذا با پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۶، این جنبش اعلام کرد که قوانین شریعت را مبنای تصویب لایحه‌ها و قوانین در آینده قرار خواهد داد، لیکن بدون رضایت مردم که در قالب قوانین تجلی می‌کند از اجرای قوانین اسلامی خودداری می‌کند. در این رابطه محمود رماحی عضو دفتر سیاسی حماس اعتقاد داشت که حماس در هیچ جنبه از زندگی فلسطینی‌ها دخالت نخواهد کرد، به‌جز اینکه به طریقی مؤدبانه آنها را قانع سازد و همه‌ی تلاش خود را به‌کار خواهد بست تا شریعت اسلامی کارمایه صدور قوانین گردد. لازم به ذکر است که علی‌رغم این مواضع آرمانی، به دلیل تفاوت شرایط در ایران و فلسطین، حماس عملاً به دلیل وضعیت خاص فلسطین و سایر اولویت‌ها اسرار چندانی بر اجرای بی‌چون و چرای قانون شریعت در محدوده‌ی حاکمیت خود نداشته و تنها بر رعایت اخلاقی و اقماعی آن تأکید دارد. چنانکه خالد مشعل، رئیس دفتر سیاسی حماس، از آزادی پذیرش یا عدم پذیرش احکام شریعت اسلام و حتی آزادی حجاب در فلسطین آینده بر اساس رأی مردم سخن می‌گوید (میری، ۱۳۸۴: ۱۰-۱۳). لذا حماس در نوار غزه نکوشیده ظواهر شریعت را به زور حاکم کند، مسئله‌ای که بارها باعث ایجاد اختلاف میان این گروه و دیگر تکفیری‌ها شده است.

این خود ناشی از این است که هر دو جنبش اسلامی ایران و حماس با پذیرش پیوند توأمان دین و سیاست در اجتماع بر اجرای قانون شریعت در جامعه اسلامی مبتنی بر رضایت مردم که در قالب رأی آنها به قانون اساسی تجلی می‌کند، تأکید دارند. در واقع اجرای اجباری قوانین را نمی‌پذیرند، البته در این زمینه با توجه به مبانی اعتقادی دو جنبش و نوع برداشت خود از شریعت تفاوت دیدگاه وجود دارد. چرا که انقلاب اسلامی ایران با معیارهای شیعی نقش اجتهاد در زمان و مکان را جهت اجرای قانون شریعت در جامعه اسلامی پذیرفته است؛ اما حماس چون اکثراً برخاسته از مذهب اهل تسنن شافعی مذهب است تفاوت‌هایی با آن دارد. و در برخورد با مسائل جدید تحت تأثیر مبانی فقهی خود قرار دارند.

۳- شاخصه‌های حاکم و حکومت اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبران جدید هر چند بر حکومت دینی به‌عنوان آرمان مطلوب خود سخن می‌گفتند اما بر ضرورت استقرار حکومتی مبتنی بر اراده و خواست مردم تأکید داشتند و الگوی جمهوری اسلامی بر اساس خواست مردم و آرای آنها متحقق شد. رهبران حماس نیز هر چند در ابتدا از استقرار حکومت دینی سخن می‌گفتند و مطابق ماده‌ی ۹ میثاق‌نامه، این جنبش می‌کوشد در فلسطین دولت اسلامی برقرار کند و این مسئله بارها در بیانیه‌های و اظهارات رهبران آن تکرار شده است؛ ولی حماس در طرح موضوع دولت خاطر نشان می‌کند که این جنبش استقرار حکومت اسلامی را مبتنی بر پذیرش اکثریت مردم می‌داند و معتقد است که به انتخاب اکثریت احترام خواهد گذاشت (الحمد و برغوثی، ۱۳۸۲: ۶۰ - ۵۹). در این رابطه خالد مشعل می‌گوید:

این حق ملت ماست که مانند همه‌ی ملت‌ها در زیر سایه یک نظام سیاسی دموکراتیک مبتنی بر شورا و پلورالیزم سیاسی زندگی کند و عزت و حقوق و آزادی خود را به دست آورد. (مشعل، ۱۹۹۴: ۹۳)

اما علی‌رغم چنین رویکردی، به دلیل رد سکولاریسم توسط حماس دولت مورد نظر آنها یک حکومت دموکراتیک دینی است، دولتی که شکل مدرن امروزی و محتوای اسلامی داشته باشد (رزقه، ۲۰۱۵: ۸).

۴- اهمیت مردم‌سالاری، دموکراسی و انتخابات

جنبش انقلاب اسلامی ایران و حماس بر نقش مردم در حکومت به همراه مشارکت و فعالیت سیاسی آنها ارزش و اهمیت قائل بوده و معتقدند که مشروعیت خویش را از این طریق کسب می‌نمایند. در نظام جمهوری اسلامی اداره کلیه امور متکی به آرای عمومی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن تأکید شده است. درباره‌ی رویکرد جنبش حماس به دموکراسی و انتخابات باید گفت که حماس نیز برخلاف جریان‌ات تکفیری بر پیوند اسلام و دموکراسی تأکید می‌کند (Maggs, 2011: 9). شیخ احمد یاسین به‌عنوان رهبر معنوی و بنیان‌گذار حماس درباره‌ی نقش مردم در حکومت و ساختار سیاسی می‌گوید: «من خواهان دولت دموکراتیک همراه با تعدد احزاب هستم و قدرت به کسی تعلق دارد که در انتخابات

پیروز شود» (الحمد و برغوثی، ۱۳۸۲: ۶۱). بر این اساس، در سال ۲۰۰۶ حماس در انتخابات شوراهای محلی فلسطین شرکت کرده بود و همین مسئله راه را برای ورود حماس به انتخابات پارلمانی فلسطین در سال ۲۰۰۶ هموار ساخت (کرمی، ۱۳۸۷: ۸۳). و این جنبش در بیانیه‌ای اهداف خود از شرکت در انتخابات را احترام گذاشتن به کثرت گروه‌های سیاسی، تقویت مفهوم دموکراتیک، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و اصلاحات در تشکیلات خودگردان فلسطین دانسته است (کرمی، ۱۳۸۷: ۸۵). بر این اساس، حماس در انتخابات شرکت کرد و با شعار اسلام به‌عنوان تنها راه حل، استمرار مقاومت، مبارزه با فساد، انجام دادن اصلاحات و خدمت‌رسانی به مردم به پیروزی رسید (قاسمی، ۱۳۸۵: ۹۱). در واقع پس از انتخابات ۲۰۰۶ رهبران حماس همچون اسماعیل هنیه، خالد مشعل، محمود الأزهار و دیگر سران آن، بر راه و منش دموکراتیک و اصلاح‌طلبانه تأکید کردند (میری، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۰). بر همین اساس، خالد مشعل در رویدادهای منتهی به بهار عربی یا بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۲ با انتشار مقاله‌ای در مرکز الزيتونیه لبنان معتقد است که انتخاب مقامات و ایجاد نهادهای ملی فلسطین باید همیشه بر اساس دموکراسی‌های مبتنی بر انتخابات آزاد و عادلانه همراه با فرصت‌های برابر باشد. هر کس باید به نتایج حاصل از صندوق‌های رأی‌دهی و تغییر صلح‌آمیز قدرت را قبول نموده و به رأی و اراده‌ی مردم احترام بگذارد. اصل مشارکت و کار ائتلاف ملی نیز باید با تأکید بر حق مشروع مخالفان در انتقاد و به شرط مخالفت سازنده باشد (مشعل، ۲۰۱۲: ۳). این در حالی است که اعتقاد حماس به انتخابات و آرای عمومی که از منظر گروه‌های رادیکال کفر محسوب می‌شود به‌طوری که ورود حماس به فضای رقابتی سال ۲۰۰۶ باعث شد ایمن‌الظواهری در یک نوار ویدئویی که شبکه الجزیره آن را منتشر کرد خطاب به رهبران حماس بگوید: «سلسله امور از انتخابات بر اساس قانون اساسی سکولار به احترام به قوانین بین‌المللی و سپس به موافقت با حکومت وحدت ملی و سپس به دست کشیدن از جهاد و ... می‌انجامد.»

۵- جایگاه زن در عرصه‌ی اجتماع و سیاست

انقلاب اسلامی ایران و حماس در نوع نگاه به مشارکت سیاسی اجتماعی زنان نیز نگاه مشترکی دارند. هر دو بر حضور فعال و گسترده زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی ضمن رعایت جوانب اسلامی تأکید داشته و منعی در آن نمی‌بینند. انقلاب اسلامی با پذیرش

نقش زن در جامعه اسلامی و حضور در عرصه‌های سیاسی با دیدی حداکثری به این موضوع بها داده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، امام خمینی مشارکت اجتماعی زنان را با رعایت موازین اسلامی کاملاً مجاز دانسته و مورد تأکید قرار داده است (ر.ک.به: امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱۴۹-۱۴۷). جنبش حماس نیز در اولین مراحل شکل‌گیری خود نشان داده است که به امور زنان چه به صورت فردی و یا به‌عنوان بخشی از خانواده و چه در اجتماع علاقه‌مند است. در ماده‌ی ۱۲ میثاق‌نامه حماس نام زن ذیل عقاید بنیادین پیرامون ناسیونالیسم و وطن نمود می‌یابد و ماده‌ی ۱۷ مستقیماً به نقش زنان مسلمان می‌پردازد: «زنان مسلمان در نبرد رهایی‌بخش وظیفه‌ای هم‌سنگ مردان برعهده دارند، زیرا آنان تربیت‌کننده مردان بزرگند و نقش آنان در تربیت و هدایت نسل‌ها بسی سترگ است.» در همین رابطه، ماده‌ی ۱۸ نیز با توجه به آیه ۳۴ سوره احزاب بر اهمیت نقش زنان در خانه و تربیت فرزند تأکید می‌کند (میثاق‌نامه حماس، پایگاه اینترنتی وزارت امور خارجه فلسطین).

حماس کمیته‌ی کار زنان را در اواخر دهه هشتاد میلادی تشکیل داد. این کمیته همانند سایر کمیته‌های این سازمان دارای بودجه مشخص و فعالیت‌های عمومی است. چرا که این جنبش علاقه‌مند به تشویق مشارکت زنان در امور نظامی و اجتماعی است و برای بسیج عمومی به کمک زنان نیازمند می‌باشد. با افزایش تعداد زنان باسواد و تحصیل‌کرده از یک‌سو و نیاز خانواده‌ها به درآمد حاصل از کار زنان که موجب حضور بیشتر آنها در عرصه فعالیت‌های اجتماعی شد، حماس نیز خود را با شرایط پیش آمده تطبیق داد و تأسیس حزب نجات ملی اسلامی به‌عنوان یک سازمان سیاسی غیرنظامی را در دسامبر ۱۹۹۵ اعلام کرد. حزب مذکور در بیانیه‌ی تأسیس به حقوق اقشار مختلف از جمله زنان و همچنین ایجاد یک دپارتمان مختص به زنان در غزه اشاره کرد و تحول چشم‌گیری در ایدئولوژی اسلامی نسبت به نقش زنان در غزه ایجاد کرد. همچنین شاخه دانشجویی حماس در دانشگاه‌ها تحت عنوان «بلوک اسلامی» فعال است (عدنان، ۲۰۱۵: ۱۰).

از طرفی علاقه حماس به حضور زنان را می‌توان مربوط به رویارویی این گروه با اسرائیل دانست. زنان توانسته‌اند بدون نمایش عمومی به نظامیان حماس در زمان نبرد کمک کنند. همچنین رقابت حماس با نیروهای سکولار باعث شده تا به زنان به‌عنوان نیروهای فعال در این حرکت نقش دهد. به همین منظور زنان را در نظام اداری خود کاملاً پذیرفته است. در

انتخابات سال ۲۰۰۶، برای اولین بار حماس، تمامی قوانین انتخاباتی، از جمله نام‌نویسی تقریباً ۲۰ درصدی زنان در لیست‌های انتخاباتی را پذیرفت. آمار ۱۳ درصدی زنان در برابر آمار ۱۲ درصدی جنبش فتح بیان‌گر این حضور بود (محمدیان روشن، ۱۳۸۴: ۱۲). این نکته را نیز باید افزود که اگرچه زنان در جریان فعالیت‌های حماس شرکت می‌کنند اما در جایگاه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری نیستند. چون آنها در شورا که دارای مقام مشورتی غیرالزام‌آور برای رهبری حماس است عضویت دارند اما در دفتر سیاسی که تصمیمات آن برای حماس الزام‌آور است هیچ زنی حضور ندارد. در بخش نظامی نیز اگرچه مطابق میثاق‌نامه نقش زنان محدود به آموزش کودکان و حمایت از مردان است اما این دیدگاه در سال ۲۰۰۴ و زمانی که ریم صالح الریاشی یک حمله انتحاری را در مرز اسرائیل در شمال غزه را انجام داد، تغییر کرده و گردان عزالدین قسام در سال ۲۰۰۷ تشکیل اولین گردان زنان در صفوف خود را اعلام کرد. ولی به‌طور مشخص زنان حضور پررنگی در بسیج عمومی و جذب نیروهای جدید دارند. خصوصاً در زمان انتخابات و برگزاری جشن‌ها فعالیت زنان بیشتر می‌شود (عدنان، ۲۰۱۵: ۱۵-۱۲).

۶- نوع نگاه به مسئله فلسطین و اسرائیل

یکی از وجوه کاملاً مشخص و برجسته مشترک بین دو جنبش اسلامی ایران و حماس حمایت کامل از آرمان فلسطین و آزادی آن و نامشروع دانستن رژیم اسرائیل و نگاه اعتقادی به مسئله‌ی فلسطین است. هر چند تفاوت‌هایی نیز در راهکارهای آنها در برخورد با اسرائیل وجود دارد. جمهوری اسلامی ایران و رهبران آن همواره آمادگی خود را برای حمایت از جنبش‌هایی که در راه آرمان فلسطین به مبارزه برخاسته‌اند اعلام کرده و می‌کنند که جنبش حماس نیز از این حمایت‌ها و مساعدت‌های مادی و معنوی بی‌نصیب نبوده است. در واقع بین ایران و حماس در این رابطه، ارتباط عمیق و گسترده‌ای وجود دارد و هر دو دارای دشمنی مشترک و منافی همسو در این مسئله هستند. امام از سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب به مسئله‌ی فلسطین واکنش نشان داده و بر لزوم توجه ملل مسلمان و حکام آنها به این قضیه به‌عنوان یک مسئله‌ی اعتقادی اسلامی تأکید فراوان داشته‌اند (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۲۴۲). جنبش مقاومت اسلامی فلسطین نیز علاوه بر مواردی که قبلاً در اهداف، فعالیت‌ها و فلسفه تشکیل آن ذکر شد، بر این باور است موافقت‌نامه‌هایی که تاکنون حاصل شده‌اند، پاسخ‌گوی آرمان‌های

ملت فلسطین نبوده و حتی حداقل انتظارات را بر نمی آورد. این موافقت‌نامه‌ها ناعادلانه بوده و به ملت فلسطین آسیب و زیان می‌رساند و از طرفی متجاوز را به خاطر تعدی، پاداش داده و حقی را که از دیگران سلب و غصب کرده، به رسمیت می‌شناسد. به عبارتی تلاش در جهت تحمیل شرایط طرف پیروز و انتظار از طرف مظلوم به دست کشیدن از حقوق حقه‌اش می‌باشد. بنابراین چنین صلح ظالمانه‌ای با شاخصه‌های ستم‌کارانه نمی‌تواند به موفقیت بیانجامد و یا عمری طولانی داشته باشد. برای همین از محوری‌ترین شعارهای حماس تمسک و تأکید بر حقوق مسلم و قطعی فلسطینی‌ها در سرزمین تاریخی خود، حق بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین آبا و اجدادی‌شان و حاکمیت غیرقابل خدشه فلسطینیان بر قدس و اماکن مقدس است (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

اما درباره‌ی نحوه‌ی برخورد این جنبش با رژیم اسرائیل باید گفت که اگرچه برخی رهبران و سران حماس خواهان مبارزه برای محو و نابودی اسرائیل هستند، به طوری که پس از پیروزی حماس در انتخابات ۲۵ ژانویه ۲۰۰۶ برخی از رهبران حماس خواهان محو و نابودی کامل اسرائیل هستند. چنانکه محمود الزهار در مصاحبه با تلویزیون المنار درخواست‌های خارجی مبنی بر شناسایی حق موجودیت اسرائیل را رد می‌کند و ضمن رد شناسایی کشور اسرائیل، خواهان تشکیل دولت فلسطین در چهارچوب مرزهای تاریخی است. محمد نزال نیز با پذیرش راه حل مرحله‌ای بر شرط عدم شناسایی اسرائیل تأکید می‌کند (روزنامه کیهان: ۸/۱۱/۸۶). اما برخی دیگر همچون شیخ احمد یاسین و خالد مشعل نظر دیگری درباره‌ی تاکتیک‌های مبارزاتی با اسرائیل دارند. چنانکه شیخ احمد یاسین از بنیان‌گذاران حماس درباره‌ی اسرائیل گفته است: «ممکن است با اسرائیل موافقت‌نامه ترک مخاصمه به مدت ۱۰ یا ۲۰ سال امضا کنیم به شرطی که اسرائیل از کرانه باختری و نوارغزه و بخش شرقی قدس یعنی تا مرزهای ۱۹۶۷ عقب‌نشینی کند و به ملت فلسطین امکان دهد سرنوشت خود را آزادانه تعیین کند.» یا خالد مشعل نیز با تأکید بر بازگشت به مرزهای سال ۱۹۶۷ خواهان پذیرش دولت فلسطین از سوی اسرائیل شده و می‌گوید:

حماس تنها زمانی نزاع مسلحانه با اسرائیل را ترک می‌کند که این رژیم به مرزهای سال ۱۹۶۷ خود بازگردد و از سرزمین‌های فلسطینی عقب‌نشینی کرده و حق بازگشت فلسطینیان را بپذیرد (الحمد و برغوثی، ۱۳۸۲: ۶۴).

۷- دیدگاه نسبت به جهاد و استراتژی مبارزه

در تعالیم اسلامی تأکید بسیاری بر جهاد شده است ولیکن از دیدگاه شیعه در عصر غیبت تنها جهاد دفاعی جایز می‌باشد. این رویکرد دفاعی در انقلاب اسلامی ایران و سخنان رهبران ایران نیز وجود دارد و آنها بارها تأکید کرده‌اند که جمهوری اسلامی هیچ‌گاه قصد تجاوز و حمله به کشوری را نداشته و ندارد، اما به دفاع از خویش در برابر متجاوز در قالب جهاد دفاعی می‌پردازد (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۳). جنبش حماس نیز برخلاف جریان‌های تکفیری تأکید دارد که با هیچ گروهی خصومت نداشته مگر با آن دسته که خود پایه‌ی دشمنی با امت اسلامی را بنا نهاده باشند؛ اما دفاع در برابر تجاوز و اشغال را از حقوق مسلم خویش می‌دانند (الحمد و برغوثی، ۱۳۸۲: ۱۰۹). در واقع حماس به دلیل وضعیت فلسطین به جهاد با معنایی فراگیر و بخشی از فرآیند نهضت اسلامی نگاه می‌کند و اعتقاد دارد جهاد تنها راه حل مسئله‌ی فلسطین و خارج ساختن آن از کنترل اسرائیل است. بر این اساس، اگر رویکرد حماس به جهاد، دفاعی باشد؛ می‌توان گفت جنبش انقلاب اسلامی ایران و حماس در این مؤلفه با یکدیگر اشتراک نظر دارند. در ماده‌ی ۱۵ میثاق‌نامه حماس در رابطه با جهاد آمده است:

هرگاه دشمنان منطقه‌ای از سرزمین اسلامی را غصب و اشغال کنند، جهاد بر همه‌ی مسلمانان فرض عینی خواهد بود. برای مقابله با اشغال فلسطین به دست یهودی چاره‌ای جز به اهتزاز در آوردن پرچم جهاد وجود ندارد. این امر هم نیازمند آگاهی اسلامی عموم مردم مسلمان در جای‌جای مناطق جهان اسلام است؛ نیز باید روحیه جهاد را در میان امت اسلامی توسعه داد و با آغاز نبرد علیه دشمنان، به صفوف مجاهدان پیوست (میثاق‌نامه حماس در پایگاه اینترنتی وزارت امور خارجه فلسطین).

برای همین حماس به مقوله جهاد به مثابه انباشتی از عزم و اراده می‌نگرد که کارآمدی آن با گذشت زمان آشکار می‌گردد که معنای وسیعی را در برمی‌گیرد. چرا که از این نظر جهاد و مقاومت راهی است که ملت‌ها با به‌کارگیری آن حیات بالنده پیدا می‌کنند و در مقابل، دشمنان به ستوه در می‌آیند (الحمد و برغوثی، ۱۳۸۲: ۱۲۵). خالد مشعل نیز در این رابطه می‌گوید:

جنبش حماس جهاد و مقاومت مسلحانه به معنی درست و معتبر آن را در جهت آزادی فلسطین و احیای تمام حقوق آن به کار می‌برد. این نبرد از طرق مختلف سیاسی، دیپلماتیک، رسانه‌ای، ملی، قانونی و همچنین از طریق سرمایه‌گذاری در توانایی‌های کل

جامعه فلسطین است. از دیدگاه حماس مقاومت در برابر ابزار بی‌پایان است و تجارب ملل در طول تاریخ ثابت کرده است که تنها گزینه موجود برای اخراج اشغال‌گران صرف‌نظر از مذهب، وابستگی، نژاد یا ملیت، مقابله با تجاوز و بازگرداندن زمین و حقوق مردم فلسطین در تمام اشکال آن با مقاومت مسلحانه و مبارزه است. اما اگر راه دیگری برای آزادی سرزمین، پایان دادن به اشغال و به دست آوردن حقوق مردم فلسطین بدون خونریزی وجود داشت، به کار گرفته می‌شود. (مشعل، ۲۰۱۲: ۱۵).

با این حال، قرائت حماس از جهاد با قرائت گروه‌های تکفیری- جهادی سنی متفاوت است. حماس، یک سازمان اسلام‌گرای سنی مذهب سیاسی- نظامی به‌عنوان شاخه فلسطینی اخوان‌المسلمین فعالیت می‌کند. تعلق حماس به سنت اخوانی و تفسیر متفاوت آنها از اسلام باعث شده در طول سالیان پس از تأسیس و به‌ویژه در هفت سال اخیر که کنترل نوار غزه را در اختیار دارد کاملاً متمایز از گروه‌های تکفیری عمل نمایند. از سوی دیگر، جهاد دفاعی حماس در مرزهای جغرافیایی خاص قرار دارد و جنبش حماس رسماً اعلام کرده است تنها در زمینه‌ی آزادی سرزمین‌های اشغالی مبارزه می‌کند و البته مسئولیت اقدامات و مواضع برخی از اعضا که به لحاظ ایدئولوژیک به سمت گروه‌های رادیکال متمایل شده و رسماً از حماس جدا شده‌اند به عهده این جنبش نیست. این در حالی است که گروه‌های تکفیری جهادی در سوریه و عراق با اعلام اعتقاد به ایدئولوژی خلافت و پوچ شمردن مرزها و قوانین بین‌المللی جنبش‌هایی جهان وطنی به شمار می‌روند. در همین راستا، تفاوت دیگر در ترسیم چشم‌انداز روشن سیاسی از جهاد است، حماس به‌طور روشنی چشم‌اندازش را آزادی سرزمین‌های فلسطینی و بازگشت خانواده‌ها ترسیم کرده است در حالی که در میان گروه‌های تکفیری این مسئله اصلاً روشن نیست (همزاده، ۱۳۹۴: ۳-۲). حماس همچنین برخلاف تکفیری‌ها که از هر نوع خشونت در مبارزه با دشمن اجتناب نمی‌کنند مانند اندیشه انقلاب اسلامی ایران سخت‌مقید است که در فعالیت‌های مقاومت خود بر ضد دشمن موازین و تعالیم عالیه اسلامی و نیز مبانی حقوق بشر و قوانین بین‌المللی را مراعات کند.

۸- نگرش به تجدد و غرب

نظام جمهوری اسلامی ایران منبعث از انقلاب اسلامی و جنبش مقاومت اسلامی فلسطین،

حماس، به برخورد درست و گزینشی با غرب، نوآوری و تجدد با تکیه بر مبانی اسلامی تأکید دارند. بدین معنا که آثار مثبت و مفید تمدنی غرب را برای پیشرفت جامعه خویش به کار گرفته و در عین حال با انتقاد از آثاری که اسباب زوال اخلاقی فرد و جامعه می‌شود در پی اصلاح آن برمی‌آیند. آنها انتقادات خود را متوجه مبانی اومانیستی غرب می‌کنند و اعتقاد دارند که این مبانی موجبات دوری انسان از معنویات و خدا را فراهم آورده است. همین به یک‌تازی انسان منجر شده و باعث شده تا اخلاق و انسانیت زیر پا گذاشته شود. جمهوری اسلامی ایران در برخورد با غرب و مدرنیته به صورت گزینشی عمل کرده و می‌کند. این دیدگاه را در آثار امام به‌خوبی می‌توان دید ایشان نفی مطلق غرب را قبول ندارد، بلکه با پذیرش تمدن غرب به رد مفاسد آن می‌پردازد (ر.ک.به: امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۲۹). دیدگاه حماس نیز نسبت به غرب، تجدد و نوآوری از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: عدم اعتقاد به پیکار و مبارزه با غرب و یا مسیحیت، موافقت با اصول اعلام شده غرب در زمینه‌ی حقوق بشر و حق دفاع از خود، مسئول بودن غرب در زمینه‌ی پیدایش جنبش صهیونیسم و اشغال فلسطین و حمایت از رژیم اسرائیل، اهمیت استراتژیک فلسطین برای غرب به عنوان سرزمین موعود، رد هرگونه تروریستی بودن و تندروی خود از سوی غرب و نگاه واقع‌بینانه‌تر اروپا نسبت به آمریکا در ارتباط با خواسته‌ها حماس بر این اساس نیز حماس موضوع رابطه با غرب را مورد توجه قرار داده و گفتگو با محافل غربی را به منظور تغییر این دیدگاه‌ها و کاهش تأثیرگذاری تبلیغات صهیونیسم بر اندیشه غربی‌ها مفید و ضروری می‌داند. این جنبش در متن برنامه دولت خود در مارس ۲۰۰۶ در زمینه ارتباط با غرب ضمن تأکید بر حفظ پیوند خود با جهان اسلام، به برقراری رابطه‌ای سالم و قوی با سازمان ملل متحد، شورای امنیت، اتحادیه اروپا و سازمان‌های منطقه‌ای در جهت دفاع از حقوق ملت فلسطین و مقابله با تهدیدات اسرائیل می‌کوشد. این سیاست بازتابی از دیدگاه سیاسی جدید و استراتژیک حماس در تعامل با ابعاد بین‌المللی کشمکش جاری علیه جنبش صهیونیسم و اسرائیل محسوب می‌گردد (الحمد و برغوثی، ۱۳۸۲: ۱۶۲-۱۶۰).

۹- برخورد با مذاهب اسلامی و اتحاد جهان اسلام

یکی از اهداف اساسی و شعارهای اصلی انقلاب اسلامی ایران تأکید بر وحدت امت اسلام در

برابر اختلافات داخلی جهان اسلام و توطئه‌های خارجی آن بوده است. این هدف علاوه بر شعار بلکه در عمل نیز از سوی رهبران ایران اجرائی شده است. امام ایجاد اختلاف بین اهل سنت و شیعه را جنایت قلمداد می‌کنند و درباره‌ی وحدت اسلامی و پرهیز از اختلافات قومیتی در دنیای اسلام می‌فرمایند:

پیام من به برادران عرب و مسلمان این است که بیانید اختلافات را کنار بگذارید و دست برادری به یکدیگر بدهید و هم گام و هم پیمان با همه برادران مسلمان و غیرعرب تنها اسلام را تکیه‌گاه خود قرار دهید... (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۲۳۸)

این مهم سرلوحه کار جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی بوده و در اصل سوم قانون اساسی تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان مورد تأکید قرار گرفته است. حرکت مقاومت اسلامی فلسطین نیز اعتقاد راسخ دارد که اسلام، دین و کیش وحدت، مساوات، تسامح و آزادی است. آنها جنبش خود را دارای ابعاد انسانی - فرهنگی می‌دانند که با هیچ گروهی خصومت نداشته مگر با آن دسته که خود پایه دشمن را با امت اسلامی بنا نهاده‌اند. در ماده‌ی ۳۱ میثاق‌نامه حماس آمده است:

جنبش مقاومت اسلامی حرکتی انسانی است و از حقوق بشر حمایت می‌کند و در نگاهش به پیروان ادیان دیگر تسامح و تساهل اسلام را مد نظر دارد و با هیچ کس جز آنانی که با این جنبش از در دشمنی درآمده‌اند یا در مقابل آن ایستاده‌اند تا راهش را سد کنند و مانع از حرکتش شوند یا تلاشش را تحریف کنند، دشمنی نمی‌ورزد.

همچنین در ماده‌ی ۲۷ آن بر حفظ اصل برادری همراه با آرزوی کاهش اختلافات و شکافها تأکید شده است (میثاق‌نامه حماس در پایگاه اینترنتی وزارت امور خارجه فلسطین). بر همین اساس، حماس در عرصه‌ی خارجی با اکثر کشورهای اسلامی و عربی به‌ویژه عراق، ایران، اردن، یمن، سودان، سوریه، عربستان و حزب‌الله لبنان روابط دوستانه‌ای داشته است. و از حمایت‌های مادی و معنوی آنها برخوردار است (ملابراهیمی، ۱۳۸۲: ۲۱۹). در واقع حماس خواهان وحدت جهان اسلام در راستای مسئله‌ی فلسطین و مقابله با اسرائیل است. آنها معتقدند عامل خارجی و عامل درونی بر عامل پیرامونی بی‌آنکه عامل خارجی و پیرامونی مورد غفلت قرار گیرد، اولویت دارد (الحمد و برغوئی، ۱۳۸۲: ۶۲).

۱۰- همسوئی و ناهمسوئی مواضع سیاسی با ایران

مواضع حماس تا سال‌های اخیر همواره همسو با مواضع ایران و یک عضو در «محور مقاومت» شامل سوریه، حزب‌الله لبنان، بوده است اما حماس پس از وقوع جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ و هم‌زمان با مسلح شدن شورشیان سنی دفتر خود را از سوریه خارج کرد و به قطر بازگشت و از ایران درخواست کرد تا از دولت سوریه حمایت نکند، این تحولات موجب شد تا حماس از محور مقاومت خارج شود و به ائتلاف جدیدی به رهبری مصر، قطر و ترکیه بپیوندد (Austin Bodetti, 2015: 5). که در این باره باید گفت که این نوع موضع‌گیری حماس به دلیل نگاه سیاسی جدید این جنبش و تحت تأثیر نفوذ اقتصادی و فرهنگی بنیادگرایی سنی و اهمیت یافتن بحث تشیع- تسنن در تحلیل‌های جریان اخوان المسلمین اتفاق افتاده است. دلیل چنین رویکردی را می‌توان فعالیت اخوان المسلمین سوریه به‌عنوان یکی از نیروهای فعال در میان معترضان و مخالفان حکومت بشار اسد و نیز از دست ندادن حمایت کشورهای قدرت‌مند سنی مذهب عربی توسط حماس دانست. برای همین حماس سیاستی اتخاذ کرده است که به حمایت از دولت اسد در برخورد با مخالفانش یا سکوت در برابر این رویه متهم نشود. نماد این سیاست، به دست گرفتن پرچم مخالفان سوریه توسط خالد مشعل در مراسم بیست و پنجمین سالگرد تأسیس این جنبش در غزه بود. و موسی ابومرزوق معاون دفتر سیاسی حماس نیز ابراز داشته است که اگر ایران نمی‌خواهد افکار عمومی جهان عرب را علیه خود تحریک کند، باید در مورد حمایتش از رژیم اسد در سوریه بازنگری کند (حق شناس، ۱۳۹۱: ۵). مشعل در تازه‌ترین مصاحبه خود در مارس ۲۰۱۶ با اعلام بی‌نظری درباره‌ی قرار گرفتن نام حزب‌الله لبنان از سوی اتحادیه عرب در لیست گروه‌های تروریستی، با اشاره به سردی رابطه‌ی حماس با ایران دلیل آن را موضع این جنبش در قبال تحولات سوریه می‌داند. که این روند توانسته است تا حدی شکاف بین جنبش حماس با جنبش‌های شیعی در منطقه را افزایش داده و شرایط جدیدی را به‌وجود آورد.

نتیجه‌گیری

حماس از ابتدای شکل‌گیری خود تاکنون تحولاتی در عرصه اندیشه‌ای و فعالیت خود داشته است اما همچنان به‌عنوان بزرگ‌ترین جنبش اسلام‌گرای مقاومتی عرصه فلسطین، در راستای

اهداف مشخص و ساختار تشکیلاتی منسجم به فعالیت می‌پردازد. در این مقاله سعی کردیم تا اندیشه سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین، حماس، را با اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی ایران بر اساس ۱۰ شاخصه مهم استخراج شده از تعاریف موجود در خصوص اندیشه سیاسی، مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم.

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت هر چند خاستگاه اعتقادی انقلاب اسلامی ایران برآمده از مذهب تشیع و خاستگاه حماس برآمده از مذهب اهل سنت متأثر از رویکرد اخوانی می‌باشد اما هر دو جنبش از نظر مبانی فکری نسبت به رابطه‌ی دین و سیاست، جایگاه شریعت در حکومت و اجرای دموکراتیک آن یعنی بر اساس توافق اکثریت اشتراک دارند و برخلاف جریان‌های تکفیری، آرمان آنها حکومت مردم‌سالاری اسلامی می‌باشند که بر اساس آرای مردم و با محتوای متأثر از اسلام شکل می‌گیرد. همچنین هر دو جنبش برخلاف جریان‌های ارتجاعی در جهان اسلام در عین بدبینی به دول غربی و انتقاد از جنبه‌های ناسالمی تمدنی آن، برخوردی گزینشی در أخذ فناوری و تجدد از غرب داشته و به طور کلی آن را طرد نمی‌کنند. آنها ضمن تأکید بر حفظ و اهمیت شأن و جایگاه زن به عنوان مادر و همسر، بر اهمیت جایگاه زنان و مشارکت نیمی از جمعیت جامعه در امور سیاسی - اجتماعی تأکید فراوان داشته و این نوع دیدگاه خویش را عملی نیز کرده‌اند. وجه اشتراک دیگر آنها در بحث وحدت جهان اسلام و مقابله با جریان‌های تکفیری و همچنین نگاه اسلامی به مسئله فلسطین می‌باشد. هر چند در اکثر موارد حماس موضعی همسو با ایران داشته است اما در بحران سوریه موضعی متفاوت را اتخاذ کرد که به دلیل نگاه سیاسی جدید این جنبش بود که تحت تأثیر بنیادگرایی سنی و اهمیت یافتن بحث تشیع - تسنن در تحلیل‌های جریان اخوان المسلمین اتفاق افتاده است. بر این اساس، به نظر می‌رسد علی‌رغم اختلاف در بحران سوریه، حماس را می‌توان متحدی فکری در بین جریان‌های اسلام‌گرا برای جمهوری اسلامی به حساب آورد که در دراز مدت به همراه بخش مهمی از جنبش اخوان می‌توانند در جبهه متحد جنبش اسلام سیاسی نوگرا و اصلاح‌طلب همسو با جمهوری اسلامی ایران در حل مسائل جهان اسلام قرار داشته و ایفای نقش کنند و لذا باید برای حل مشکلات سیاسی موجود که موجب تشدید فاصله بین این جریان‌های اسلام‌گرا شده است تلاش نمود و راهکارهای مناسب را جستجو کرد.

منابع

- ابو عمرو، زیاد. (۱۳۷۳) جنبش اسلامی در کرانه غربی و نوار غزه، مترجم حسن خامه یار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- باباپور، عطالله. (۱۳۸۸) جنبش مقاومت فلسطین؛ حماس، تهران: باشگاه اندیشه.
- پایگاه اینترنتی دولت فلسطین: www.pmo.gov.ps
- پایگاه اینترنتی فراکسیون تغییر و اصلاح مجلس قانون گذاری فلسطین به نشانی: www.islah.ps/new/index.php
- حاجیان، محمدرضا. (۱۳۸۱) «سازمان و تشکیلات حماس»، ماهنامه خبری-تحلیلی نهضت، سال دوم، شماره سوم.
- حق شناس، محمدرضا. (۱۳۹۱) تبعات بحران سوریه در روابط ایران و حماس، مرکز بین المللی مطالعات صلح
- الحمد، جواد و ایاد برغوثی (۱۳۸۲)، سیرری در اندیشه سیاسی حماس، ترجمه سیدحسین موسوی، تهران: مرکز پژوهش علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- خمینی، روح الله. (۱۳۷۰) سیمای زن در کلام امام خمینی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- (۱۳۷۸) صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۵).
- رزقه، یوسف. (۲۰۱۴) دراسته علمیه محکمه الرویه السياسیه ل حماس، بیروت: مرکز الزيتونیه للدراسات و الاستشارات.
- رضوی، سلمان و علی پاشا قاسمی. (۱۳۹۱) تجربه حکومتی حماس؛ ارزیابی و چشم انداز، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- روزنامه کیهان. (۱۳۸۶/۱۱/۸) «پیشینه تاریخی حماس»، شماره ۱۹۰۰۸.
- زارعی، محمد. (۱۳۹۰) «ساختار تشکیلاتی حماس از گذشته تا امروز»، روزنامه اطلاعات، شماره های ۲۵۲۵۳ و ۲۵۲۵۴ و ۱۳۹۰/۱۲/۱ و ۱۳۹۰/۱۲/۲.
- عدنان، ابو عامر. (۲۰۱۵) «بال نظامی و سیاسی حماس»، پایگاه اینترنتی المانیاتور: ww.al-monitor.com/pulse/originals/2015/05/palestine-hamas-military-political-wing-al-qassam
- قاسمی، علی پاشا. (۱۳۸۵) «پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی، فرصت ها و چالش ها»، فصلنامه مطالعات منطقه ای جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲۵.
- کرمی، عبدالله. (۱۳۸۷) حماس و چشم انداز آینده، قم: بوستان کتاب.
- محمدیان روشن، آتینا. (۱۳۸۴) «نقش زنان در جنبش حماس»، روزنامه کیهان، شماره ۱۸۴۵۱.
- مشعل، خالد (۱۹۹۴) شرایط و احتمالات برگزاری انتخابات پاکیزه، امان: مرکز مطالعات خاورمیانه.
- (۲۰۱۲) دیدگاه جنبش حماس در خصوص قیام های عربی و تأثیر آن بر حماس، مرکز الزيتونیه

للدراستات والاستشارات.

- ملاابراهیمی، عزت. (۱۳۸۲) فرهنگ معاصر فلسطین؛ شخصیت‌ها و جنبش‌ها و جنیش، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
 - مهربان، حسین. (۱۳۸۶) «حماس و مسأله فلسطین؛ بنیادها و رویکردها»، مجله مریبان، سال هفتم، شماره ۲۶.
 - میثاق‌نامه حرکت مقاومت اسلامی فلسطین، حماس، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی وزارت امور خارجه فلسطین: www.mofa.gov.ps/new/index
 - میری، مرتضی. (۱۳۸۴) حماس؛ دموکراسی و باورهای جهانی، خبرنامه گویا.
 - میلتون ادواردز، بیورلی، (۱۳۹۲) سیاست و حکومت در خاورمیانه، ترجمه رسول افضل، تهران: مؤسسه فرهنگی، هنری بشیر علم و ادب.
 - همزاده، حسین. (۱۳۹۴)، ما، داعش، حماس و دیگران؛ انقلاب اسلامی در دوراهی تفسیر شیعی یا فرامذهبی، پایگاه خبری-تحلیلی الف:
- 270614.html. www.alef.ir/vdchzvnik

- Austin Bodetti. (2015) *Hamas Is Running Out of Allies, War Is Boring*, 2DES.
- Maggs, David. (2011) *The History, Politics and Ideology of Hamas*, London: University of London.